

اثر بخشی پاراگراف بندی متن علمی بر درک مطلب دانشجویان

دکتر عاطفه فردوسی پور*

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه و مقایسه انواع مختلفی از ساختار متن تفسیری از طریق پاراگراف بندی بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بوده است. نمونه مورد مطالعه عبارت بود از دانشجویان مشغول به تحصیل در واحد تهران شرق که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. آزمودنیها پس از نمونه گیری تصادفی، در یک طرح عاملی یک راهه به صورت تصادفی جایگزین شدند. ابزارها عبارت بودند از متون، پرسشنامه درک مطلب. به منظور تحلیل داده ها نیز از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی استفاده شد. بخشی از یافته های آماری نشان دادند که پاراگراف بندی متن منجر به افزایش درک مطلب می شود.

کلیدواژه ها:

متن علمی - پاراگراف بندی - درک خواندن

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (قیام دشت)

(ATEFEFERDOSIPOUR@YAHOO.COM)

تاریخ پذیرش: 91/5/15

تاریخ دریافت: 91/3/16

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره 26، پاییز 1391، ص 46-59

مقدمه

در نگارش متن، به ویژه متن علمی، سؤال مهم این است: ویژگی‌های یک متن چیست؟ روشن است که هر نوشته‌ای را نمی‌توان متن دانست. قطعه‌ای که شرایط متن بودن را نداشته باشد به آسانی درک نمی‌شود و تأثیر لازم را نخواهد داشت. یک متن: (1) باید به اندازه نوشته شود؛ (2) صادقانه باشد؛ (3) نامربوط نباشد (هر چند درست و حقیقی)؛ (4) توالی و نظم در آن گنجانده شود (به نقل از صلح جو، 1386). در همین متن، واپسین پاره ساختمانی که مطلب در آن پرورانده می‌شود، پاراگراف است. پاراگرافها در حکم حلقه‌های زنجیره کلام اند و می‌توان آنها را به «سکانس» (رشته پیوسته) در فیلمبرداری تشبیه کرد. هر متنی شامل پاراگراف شروع، پاراگراف خاتمه و پاراگراف تنه است. پاراگراف شروع در حکم معارفه و مقدمه چینی، و پاراگراف نتیجه حاوی جمع بندی مطلب و پژوهاک مقدمه است؛ و پاراگرافهای تنه گفتار هر کدام به جنبه‌ای از یک موضوع می‌پردازند. در هر پاراگرافی نیز، فکر اصلی از جهتی، توضیح، تفسیر و تأیید می‌شود (سمیعی، 1383).

به عبارت بهتر، پاراگراف (بند) واحد بنیادی نوشته است که اگر خوب شناخته نشود نمی‌توان گزارش، مقاله، کتاب و یا به عبارتی متن نوشت. مطالبی که در یک نوشته می‌آید یکپارچه و بدون برش نیست. موضوع نوشته متن شامل رشته ای از مفاهیم جدا و در عین حال به هم پیوسته، و پاراگراف جایگاه هر یک از آن مفاهیم است. علاوه بر استقلال مفاهیم موجود در هر پاراگراف، هر بند دارای یک ساختار درونی (سر، بدنه و بخشهای انتهایی) است. هر نوع به هم ریختگی این نظم موجب بروز کاستیهایی در پروراندن نوشته می‌شود. بدون آگاهی از ساختار درونی پاراگراف، نمی‌توان نوشته را درون پاراگرافها تقسیم کرد. از همین رو خواننده نیز نخواهد توانست چنین نوشته‌ای را به راحتی بخواند (صلح جو، 1386).

در هر بند، مطلب اصلی باید با کمک شواهد و واقعیات، تفسیر و تشریح شود. مطلب اصلی که نیاز به روشن سازی دارد، معمولاً با جمله‌ای بنیادی بیان می‌شود. این جمله ممکن است در آغاز یا پایان بند بیاید (سمیعی، 1383).

پس از مطلب اصلی که اولین عنصر و هسته اصلی بند است، دومین عنصر، عبارت است از مواد پشتوانه مطلب اصلی (که به آن مواد حامی نیز می‌گویند). در این بخش از بند، نویسنده معمولاً مطالبی را برای باز کردن نکات پیچیده مورد

استفاده قرار می‌دهد. این مطالب معمولاً شامل مثالها و انواع مطالبی هستند که مطلب اصلی بند را تقویت می‌کنند (انیس، ترجمه صلح‌جو، 1387).

حال اگر متنی را که یکپارچگی، لازمه درک مطالب آن است، متشکل از واحدها و زیرساختارها بدانیم، درمی‌یابیم که عناصر متن متشکل هستند از جملات، پاراگرافها و بخشها و ... و باز اگر پاراگراف را به قول صلح‌جو (1386) «واحد بنیادین انشا» و یا به قول سمیعی (1383) «واپسین پاره گفتار» تلقی کنیم درمی‌یابیم که کار نویسنده به منظور یکپارچه‌سازی و سازمان‌دهی مطالب متن، در واحدی به نام پاراگراف انجام می‌پذیرد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد به کارگیری بسیاری از تکنیکها برای سازمان‌دهی مطلب، و به عبارت خاص تر ایجاد انسجام مطالب، به نحوی که قابل درک و برانگیزاننده باشند در پاراگراف (یا همان قطعات اصلی متن) انجام پذیر است. به همین منظور، و با ذکر این ضروریات گفته شده، پژوهش تجربی برای پاسخگویی به برخی سؤالات پیرامون کارایی پاراگراف و نحوه پاراگراف‌بندی متن علمی مهم و کارآمد به نظر می‌رسد. در ادامه به اهمیت سازمان‌دهی متن به کمک پاراگراف، در قالب یک پژوهش تجربی، پرداخته می‌شود.

سازمان‌دهی متن از طریق پاراگراف

طبق گزارش مؤسسه ملی آموزش،¹ خواندن، راه ورود به یادگیری در همه زمینه‌هاست. از طرفی، بررسیها نشان داده که 75 - 90 درصد محتوا و فعالیتهای آموزشی، براساس کتاب درسی² است. از سوی دیگر، مرور کتابهای درسی به گرات نشان داده است که غالب آنها حجیم،³ فاقد جذابیت⁴ و دارای سازمان‌دهی ضعیف‌اند.⁵ این در حالی است که ویژگیهای یاد شده از جمله موانع درک و فهم و انگیزش خواننده به شمار می‌آیند. یک کتاب درسی دارای سازمان‌دهی ضعیف، به ویژه برای بسیاری از یادگیرندگان مدرسه‌ای و دانشگاهی فاقد مهارتهای مطالعه، ناکارآمد و غیرقابل هضم است (CHAMBLISS, RICHARDSON,)

TUNNEY

(PURDA, WILKENFELD, 2007).

اهمیت سازمان‌دهی ذهنی مطالب به قدری زیاد است که به قول آلفرد نورث وایت

۱. NATIONAL EDUCATION ASSOCIATION

۲. TEXTBOOK

۳. TURGID

۴. UN INTERESTING

۵. POOR ORGANIZATION

هد¹ ذهن انسان آماده برای نظم دادن به بی‌نظمی² است. در واقع، می‌توان گفت که انسان سازمان‌دهی را به منظور دوام (بقا)³ انجام می‌دهد. این مسئله، اهمیت رعایت اصل یکپارچگی (انسجام)⁴ در طراحی یک نوشته و به عبارت بهتر، نظم دادن به نوشته را نشان می‌دهد. طراحی یکدست کل محتوای مربوط به یک موضوع، زنجیره‌ای از مطالب را پدید می‌آورد. هریک از حلقه‌های این زنجیره، بخشی از کل محتوا را پوشش داده، با کمک مثالها، واقعیتهای و اطلاعات بیشتر و... پروراند می‌شوند. لذا یک مؤلف کارآمد و ماهر از یک الگوی سازمان‌دهی مؤثر برای یکپارچه کردن نکات اصلی متن استفاده می‌کند. بالطبع، خوانندگان نیز این الگوی یکپارچه را به منظور درک بهتر مطلب، بازسازی می‌کنند (CHAMBLISS & CAL FEE, 1998). منظور از یکپارچه‌سازی و منظم کردن متن آن است که مجموعه‌ای مشخص و متشکل از واحدهای مجزا از مطالب، با کمک رابطهای مناسب، در قالب یک کل معنی‌دار قرار بگیرند (همان منبع: 18).

بنابراین، انسجام یک نگارش مطلوب در یکدستی مطالب جلوه‌گر می‌شود؛ به این معنا که همه پاراگرافهای موجود در یک بخش از نوشته، با نکته اصلی آن بخش مربوط بوده، همه جملات موجود در یک پاراگراف نیز با نکته اصلی آن پاراگراف تناسب داشته باشند. در این شرایط است که می‌توان گفت که منظور از انسجام همان توالی و یکپارچگی است. در چنین متنی، جملات و پاراگرافهای یکپارچه، با منطقی از پی یکدیگر آمده و همه یک منظور را می‌رسانند. به علاوه، این جملات و پاراگرافها به نوعی با جملات و پاراگرافهای دیگر مربوط می‌شوند (LEPIONKA, 2003). از طرف دیگر، مسئله انسجام در گفتار، چه گفتار شفاهی و چه نوشتاری مهم است. اما چون در نوشته، نویسنده نمی‌تواند از سرنخهای غیر کلامی استفاده کند، ایجاد انسجام در نوشته دشوارتر است. انسجام در نوشته نیز به دو عامل بستگی دارد: پاراگراف و جمله (KIES, 2010).

بنابراین، ممکن نیست که بتوان با صرف نظر کردن از مفهوم «پاراگراف» درباره تکنیکها و فنون نوشتاری سخن گفت، گرچه هنوز هم در تعریف این اصطلاح ابهام وجود دارد. به نظر نیسترند⁵ (1986) پاراگراف مهم‌ترین نشانه نقطه‌گذاری⁶ در جملات

۱. ALFRED NORTH WHITEHEAD.
 ۲. CHAOS
 ۳. SURVIVE
 ۴. COHERENCE
 ۵. NYSTRAND
 ۶. PUNCTUATION

است. به علاوه، این اصطلاح دارای ریشه یونانی و متشکل از دو بخش «پارا» به معنی «فرا» به اضافه «گراف» به معنی «طرح و نقشه» و «برجسته» است. با این وصف، به نظر می‌رسد که «پاراگراف بندی»¹ نیز به معنای «برجسته‌سازی» و «قطعه قطعه کردن» نوشته باشد.

راگرز² (1976) پاراگراف را این‌گونه تعریف می‌کند: «بنیاد یک پاراگراف، عبارت است از بخش یا قسمتی از ساختار یک گفتار³ کلی؛ اما واحد گفتار بودن، تنها ویژگی پاراگراف نیست. بلکه چون نویسنده در پاراگراف بندی از تورفتگی⁴ برای قطعه بندی کردن⁵ متن استفاده می‌کند، همانند سایر فنون نقطه گذاری، کل نوشته به واسطه پاراگراف آراسته شده... و در نهایت نوشته‌ای خلق می‌شود که فاصله بندی شده به نظر می‌رسد (به نقل از: NYSTRAND, 1982: 80).

اهمیت این فن نوشتاری از آن روست که نویسنده، و به دنبال آن خواننده، از طریق پاراگراف بندی است که ریتمیک (آهنگین) بودن و پیوستگی مطالب یک نوشته را درک می‌کند. در چیدمان یک پاراگراف، نویسنده انواعی از موضوعات مربوط به هم را با یکدیگر جور و هماهنگ و یا آنها را از هم مجزا می‌سازد. در نتیجه این کار، خواننده نیز می‌تواند آرام آرام با جنبه‌های مختلف یک موضوع آشنا شود. در نتیجه، پاراگراف بندی اگر به معنای انسجام و متمایزسازی انبوهی از مطالب تلقی شود، یک مفهوم زیبایی شناختی⁶، دارای سبک (ادبی)⁷ و کارکردی⁸ است.

بعد زیبایی شناختی یک پاراگراف در یک صفحه چاپی قابل رؤیت است و با تأثیر دیداری می‌تواند مطالب را در ذهن خواننده ریتم‌دار و برجسته سازد. بعد ادبی به روابط بین جملات و انتقال از یک جمله به جمله دیگر، همچنین به طول و عمق جملات اشاره دارد. و سرانجام، ارزش کارکردی یک پاراگراف نیز، در چهارچوب دادن به یک محتوای خاص، سلسله‌مراتبی کردن یک استدلال، گام به گام کردن یک فرآیند و... جلوه‌گر می‌شود (NASH, STACY, 1997).

به طور خلاصه، پاراگراف به خواننده نشان می‌دهد که کجا آغاز، کجا پایان و کجا

۱. PARAGRAPHING.

۲. RODGORS

۳. DISCOURSE

۴. INDENT

۵. INDENTATION

۶. AESTHETIC

۷. STYLISTIC

۸. FUNCTIONAL

تقسیمات فرعی¹ یک نوشته است. در نتیجه، می‌تواند در خلاصه‌سازی و سازمان‌دهی نکات اصلی و مهم متن به خواننده کمک کند (WRITING TUTORIAL SERVICES, 2004). بنابراین، به نظر می‌رسد که پاراگراف از جمله عوامل ایجاد انسجام در متن است. لانسفورد و کونورز² (2003) پاراگراف را گروهی از جملات همسو³ (متحد) می‌دانند. از نظر کایس (2010) این همسویی یا وحدت به معنای آن است که هر پاراگراف تنها یک ایده اصلی⁴ را دنبال می‌کند و این ایده در جمله آغازین بند جلوه‌گر می‌شود. این ایده (یا اندیشه اصلی) نیز بایستی توسط بقیه بخشهای آن بند که غالباً «جملات حامی»⁵ نامیده می‌شوند، دنبال و حمایت شود.

به لحاظ نظری و مفهومی، پاراگراف بندی به عنوان یکی از روشهای ایجاد انسجام در متن را شخصی به نام هوی⁶ (1991) به مؤلفه‌های انسجام هالیدی و حسن⁷ (1976) افزود. هالیدی و حسن (1976) انسجام را (معادل واژه Cohesion) شبکه‌ای از روابط بین بخشهای مختلف متن می‌دانستند که ناشی از عوامل دستوری⁸ و واژگانی⁹ است (KAUFMAN, 2000). با وجود این، به نظر می‌رسد که Coherence که به معنای یکپارچگی متن است، معنایی فراتر از Cohesion که به روابط ناشی از عوامل دستوری و واژگانی در نظر هالیدی و حسن اشاره دارد، داشته باشد.

این مسئله، در مطالعه پیشینه پژوهشی نیز قابل ملاحظه است. چرا که بخشی از این پژوهش به دنبال تأثیر نظم از طریق پاراگراف بندی، بر درک مطلب خواننده است. از بین پژوهشهای انجام شده و همسو با این پژوهش، می‌توان به آثار معروف کیچ و وان دایک¹⁰ دو روان‌شناس شناختی اشاره کرد. به عنوان نمونه، ایشان در بررسی‌ای که به منظور مقایسه دو متن تفسیری¹¹ (یکی با پاراگرافهای منظم و یکی با پاراگرافهای آشفته) انجام دادند دریافتند که خوانندگان متن سازمان یافته به 51% سؤالات آزمون درک مطلب پاسخ صحیح داده‌اند، در حالی که خوانندگان متن بهم ریخته تنها به 26% از سؤالات آزمون درک

-
۱. SUBDIVISION
 ۲. LANSFORD & CONNORS
 ۳. UNITY
 ۴. MAIN IDEA
 ۵. SUPPORTIVE SENTENCES
 ۶. HOEY
 ۷. HOLLIDAY & HASSAN
 ۸. GRAMMAR
 ۹. LEXICAL
 ۱۰. KITSCH & VAN DIJK
 ۱۱. EXPOSITORY

مطلب پاسخ صحیح دادند (CHAMBLISS & CAL FEE, 1998). شیدنبرگ^۱ (1989) نیز در پژوهشی مشابه مورد بالا نشان داد که توالی و نظم درست نوشته‌های متن در تشخیص ایده اصلی، خلاصه کردن و استخراج اطلاعات از متن به یادگیرنده کمک می‌کند و در نهایت فرایند درک مطالب را آسان می‌سازد.

این یافته‌ها و نتایجی از این دست را می‌توان تلویحاً و یا به صراحت از اندیشه‌های روان‌شناسان یادگیری و آموزش نیز استنتاج کرد، چراکه به نظر می‌رسد برخی از اصول مؤثر در درک مطلب، چه در متن و چه در آموزش، مشابه باشند. به عنوان نمونه، روان‌شناسان گشتالت که طرفدار درک معنی‌دار (در مقابل حفظ طوطی‌وار) هستند بر این باورند که درک و فهم روابط ساختاری و کلی بین اجزاء و عناصر، منجر به یادگیری سریع و یادداری بهتر مطالب در حافظه می‌شود. آزوبل^۲ نیز به عنوان یکی از همین صاحب‌نظران آموزشی بر نکاتی همچون ترتیب و توالی، سازمان‌دهی درست مطالب در یادگیری معنی‌دار اصرار می‌ورزد (سیف، 1388).

به طور خلاصه، مجموعه‌ای از پژوهش‌های انجام شده درباره درک مطلب، به روشنی نشان داده‌اند که استفاده از الگوهای سازمان‌دهی مناسب به منظور معرفی ایده اصلی متن یا نوشته، منجر به بهبود و تسهیل فرایند درک مطلب می‌شود (آندرسون و آرمبروستر^۳ 1984، 1988؛ دیکسون و سیمون و کامنیو^۴، 1995، به نقل از نشریه ای جی اس^۵، 2004).

همان‌طور که اشاره شد، پژوهشهایی با مضمون تأثیر آشفستگی و نظم و انسجام بر درک مطلب یادگیرندگان، در خارج از ایران، انجام شده است. اما در عین حال مطالب درباره تأثیر خاص پاراگراف‌بندی به عنوان یکی از روشهای منسجم کردن متن، حتی در خارج از ایران غالباً جنبه توصیفی دارد تا پژوهشی. در ایران، درباره اثربخشی انسجام و پاراگراف‌بندی متن فارسی بر درک مطلب هیچ‌گونه شواهد مستقیم و غیرمستقیم پژوهشی مشاهده نشده است. تنها پیش از این، محقق در سال 1389 در باره متغیرهای ساختاری متن و از جمله پاراگراف‌بندی و تأثیر آنها بر درک خواندن و ... پژوهشی انجام داد که از جمله نتایج آن گواه بر کارایی متن پاراگراف‌بندی شده بر درک خواندن دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بود. حتی به نظر می‌رسد که این مهم در تألیف کتب و نوشته‌های

۱. SHEIDENBERG

۲. AUSUBEL

۳. ANDERSON & ARMBRUSTER

۴. DICKSON & SIMMONS & KAMMENUI

۵. AMERICAN GUIDANCE SERVICE (AGS) PUBLISHING

درسی در همه علوم بیگانه باشد. به قول صلح جو (1386) بیشتر کتابها و مقالاتی که به زبان فارسی ترجمه می‌شوند منشأ اروپایی دارند یعنی از زبانهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی برگردانده می‌شوند و چون نویسندگان اروپایی از اهمیت پاراگراف مطلع اند کتابهای خارجی ترجمه شده به فارسی مشکلی ندارند. برعکس، چون مؤلفان ایرانی اهمیت پاراگراف را خوب نمی‌شناسند، آثارشان در این زمینه اشکالات زیادی دارد. آموزش و پژوهش بر روی این واحد نوشتاری در ایران تقریباً غایب است و حتی در آثار نویسندگان خوب داخلی نیز این ناآشنایی مشهود است (ص 11).

بنا به اهمیت و ضرورت پیشینه‌ای که از نظر گذشت، هدف محوری پژوهش حاضر بررسی کارایی پاراگراف بندی در متن فارسی و به عبارتی ایجاد نظم و انسجام از طریق پاراگراف بندی و تأثیر آن بر درک مطلب است. به عبارت بهتر، بخشی از این پژوهش به مقایسه اثر بخشی متن پاراگراف بندی شده در مقابل متن بدون نظم و پاراگراف بندی بر درک مطلب دانشجویان دوره کارشناسی پرداخته است. در راستای این هدف، سؤال زیر مطرح و بررسی شده است:

- آیا قطعه بندی متن از طریق پاراگراف بر درک خواندن دانشجویان مؤثر است؟

روش شناسی

به منظور بررسی فرضیه‌های این پژوهش، از طرح عاملی یک راهه استفاده شده است. به این منظور، 4 گروه در یک طرح عاملی به روش جایگزینی تصادفی جای گرفته‌اند. به عبارتی، در هر سطح از متغیر مورد بررسی، 45 آزمودنی جایگزین و بررسی شدند.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش عبارت بود از کلیه دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق در سال تحصیلی 91 - 92. از این جامعه، ابتدا 180 آزمودنی به روش تصادفی انتخاب شدند؛ سپس با روش جایگزینی تصادفی در 4 گروه 45 نفری قرار گرفتند. یادآور می‌شود که برآورد تعداد افراد گروه نمونه نیز با استفاده از جدول مورگان (به نقل از کریستینسن، ترجمه دلاور، 1387) انجام شده که برای کل پژوهش 180 برآورد شده است.

ابزار پژوهش

1) اولین و شاید مهم‌ترین ابزار، به منظور بررسی اهداف این پژوهش، عبارت بود از: متون علمی که با موضوعی واحد به 4 شکل مختلف طراحی و تدوین شده بودند. این متون (حدود 5-6 صفحه) با موضوع «روشهای پروراندن مطلب» و بی ارتباط با دانسته‌های معمول خوانندگان، توسط پژوهشگر ساخته شدند. برخی از ویژگیهای این متون عبارت‌اند از:

- یکسان بودن تقریبی حجم همه متون؛
- موضوع و محتوای واحد برای همه متون (به استثنای دو متغیر پاراگراف‌بندی و طرح‌واره معنایی، متون از هر نظر مشابه بودند)؛
- استفاده از واژه‌ها و جمله‌بندی مشابه (تا حد امکان ساده) از نظر درجه دشواری؛

■ داشتن چکیده در ابتدای متن و خلاصه مطلب در انتهای متن؛ استفاده از واژه‌های کلیدی و تکرار آنها در متن؛

■ طول پاراگراف برحسب استانداردهای معمول (10 - 18 سطر)؛ داشتن مقدمه و نتیجه‌گیری یکسان برای هر پاراگراف و یا موضوع در هر متن و...

به دلیل برخی ملاحظات، از جمله اهداف تحقیق و...، کل متن، به استثنای قسمتهایی که نقل قول شده بودند، توسط خود محقق نوشته و پرورانده شد. این متون ابتدا بر روی گروههای مختلف از جمله دانشجویان چند رشته، اساتید دانشگاه، افراد عادی و... اجرا و نظرات و اصلاحات ایشان بررسی شد؛ و سپس برخی از نقاط ضعف احتمالی آن از نظر جمله‌بندی و ویرایش و استفاده از واژه‌های درست و... برطرف گردید. پس از اجرای مقدماتی، تغییرات و اصلاحات دیگری در آنها ایجاد شد. آماده‌سازی و بررسی این متون در حدود 9 ماه (تیر الی اسفند 88) به طول انجامید. بنابراین متون مورد بحث در تحقیق پیشین محقق مورد بررسی قرار گرفته بود.

2) پرسشنامه درک مطلب. بر اساس محتوای متون علمی، پرسشنامه‌ای به منظور بررسی درک مطلب آزمودنیها ساخته شد. همانند متون یادشده پرسشنامه درک مطلب نیز در پژوهش پیشین محقق ساخته و بررسی شده بود. سؤالات این پرسشنامه، بر اساس جدول مشخصات آزمون و استفاده آنها و طبقه‌بندی تجدیدنظر شده هدفهای آموزشی، به نقل از سیف (1388) تهیه شده است. این پرسشنامه در شکل ابتدایی شامل 40 سؤال چند گزینه‌ای (گزینه‌های 4 تا 6 مورد) و شامل حیطه‌های دانش، درک و فهم، کار بستن و تحلیل بوده

است. این سؤالات نیز طی 3-4 مرتبه آماده و بر روی چند گروه نمونه اجرا و اشکالات و کج‌فهمیهای احتمالی ناشی از آن بر اساس نظر آزمودنیها و متخصص، بررسی و تا حد امکان برطرف شده است. به علاوه، سعی شده است که تا حد امکان، کلیه سؤالات آن برحسب واقعیتهای زندگی روزمره آزمودنیها آماده و به موقعیتهای عینی ربط داده شود. علاوه بر این، موقعیتهای به کار رفته در سؤالات و گزینه‌ها متنوع بوده، طبق اظهارات آزمودنیها این امر منجر به جاذبه سؤالات برای ایشان شده است. این پرسشنامه 40 سؤالی، پس از بررسیهای اولیه به همراه 6 متن آموزشی بر 180 نفر نمونه مقدماتی گفته شده، اجرا شد و سپس تک‌تک سؤالات آن مورد تحلیل قرار گرفت. بررسیها بر روی ضریب دشواری، تمیز و درجه همسانی درونی پرسشنامه، هم به شکل دستی و طبق جدول تحلیل سؤالات و هم به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شد. در نهایت معلوم شد که سؤالات 2، 3، 22 به دلیل نداشتن قدرت تمیز کافی باید حذف شوند. 4 مورد از سؤالات نیز که صرفاً سطح دانش را بررسی می‌کردند از فهرست نهایی حذف شدند. به علاوه، برای پرهیز از خستگی و کاهش بازدارندگی ناشی از آن در عملکرد آزمودنیها، 4 سؤال از انتهای فهرست که دشوارترین سؤالات بودند نیز حذف شدند.

ضریب همسانی درونی به دست آمده از جدول تحلیل سؤال (با استفاده از گروههای بالا و پایین) عبارت بود از 82% و با استفاده از نرم‌افزار عبارت بود از 78%. در نهایت 29 سؤال که طبقات درک و فهم، کار بستن و تحلیل را می‌آزمودند با توجه به درجه دشواری مرتب و برای اجرای نهایی آماده شدند. این پرسشنامه در اجرای نهایی همراه متن راهنمای پاسخگویی آزمودنیها ارائه شد.

اجرا

همان‌طور که اشاره شد، گروه نمونه هدف، دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق بودند. به منظور اجرای ابزارهای گفته شده، ضمن هماهنگی با اساتید کلاسهای درس، مدتی از وقت آغاز یا پایان هر کلاس در اختیار محقق قرار گرفت. پس از توضیح شفاهی درباره هدف تحقیق و روش مطالعه و پاسخگویی به سؤالات آزمونها، حداکثر 20 دقیقه فرصت برای مطالعه متن و 30 دقیقه برای مطالعه پرسشنامه درک مطلب در نظر گرفته شد. آزمودنیها پس از مطالعه هر متن (که غالباً زیر 15 دقیقه طول می‌کشید) با خواندن راهنمای پرسشنامه درک مطلب، به تکمیل پرسشنامه در پاسخ

نامه مخصوص پرداختند. گفتنی است در برخی مواقع که شرایط اجرا مساعد نبود (مثلاً خستگی آزمودنیها در ساعات پایانی روز و...) پاسخ‌نامه‌های مربوط به آن شرایط حذف شدند. بنابراین، برای هر آزمودنی چند نمره منظور شد که یکی از آنها نمره درک مطلب بود.

یافته‌ها

جدول 1 نتایج به دست آمده از تحلیلهای آماری مربوط به درک مطلب حاصل از چهار شکل انسجام متن

شاخصها					
سطح معنی داری	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	قطعه‌بندی مطالب متن
		2/30	20/12	45	پاراگراف‌بندی متن (گنجاندن جملات حامی در ته‌بند)
0/000	24/180	4/80	16/50	45	پاراگراف‌بندی متن (گنجاندن جملات حامی در ابتدای بند)
		2/70	19/20	45	پاراگراف‌بندی متن (گنجاندن جملات حامی در انتهای بند)
		4/70	14/20	45	قطعه‌بندی متن به صورت تصادفی (بدون پاراگراف‌بندی)

* معنی‌داری در سطح 0/05

همان‌طور که در جدول شماره 1 ملاحظه می‌شود، میانگین نمره درک مطلب گروه‌های مربوط به هر یک از چهار نوع متن مورد مطالعه، که از نظر شکل قطعه‌بندی با یکدیگر متفاوت‌اند به ترتیب عبارت است از:

1. متن پاراگراف‌بندی شده‌ای که جملات حامی در بدنه هر پاراگراف گنجانده شده است.

2. متن پاراگراف‌بندی شده‌ای که جملات حامی در انتهای هر پاراگراف گنجانده شده است.

3. متن پاراگراف‌بندی شده‌ای که جملات حامی در ابتدای هر پاراگراف گنجانده شده است.

4. متن بدون پاراگراف‌بندی که در آن شرح مطلب به صورت تصادفی است. به‌علاوه، در این جدول روشن شده است که با استفاده از آزمون F تفاوتها بین این چهار شکل متن معنی‌دار است ($P=0/05$ و $F=24/180$)؛ به عبارت بهتر، بیانگر وجود

تفاوت معنی دار بین چهار شکل متن یاد شده است. بنا براین، روشن می شود که انسجام متن از طریق پاراگراف بندی بر درک مطلب خوانندگان مؤثر است.

بحث و نتیجه گیری

در بخش یافته ها روشن شد که مطابق نتایج آماری، فرضیه طرح شده در این مقاله مورد تأیید قرار گرفت. به عبارت بهتر، یافته های حاصل از این پژوهش با کلیات موجود در پیشینه پژوهش مطابقت دارند. در بخش مقدمه نیز گفته شد که انسجام متن به یکدستی و توالی و یکپارچگی مطالب درون متن و به عبارتی پاراگراف بندی اشاره دارد و عکس این حالت آشفته گی و عدم انسجام متن است. به علاوه، از نظر کایس (2010) یکی از روش های ایجاد انسجام در متن، پاراگراف بندی و قطعه قطعه کردن متن است.

پس، پاراگراف بندی یکی از راه های ایجاد نظم و یکدست کردن مطالب است. پاراگراف به عنوان یک واحد یا بخش از نوشته، معرف یک موضوع یا بعدی از یک موضوع در درون متن است. به طور معمول، هر پاراگراف داخل متن، از سه بخش اصلی تشکیل شده است. مقدمه، تنه (جملات حامی که مطلب اصلی را شرح می دهند) و نتیجه گیری. آنچه در بخشی از پژوهش مذکور، و براساس یافته های مندرج در این مقاله، به دست آمد این بود که شکل ساختاری پاراگراف به هر شکلی که باشد (خواه جملات حامی در ابتدا، انتها و یا میانه بند قرار بگیرند) با قطعه بندی کردن متن از طریق پاراگراف بندی می توان بر درک مطلب خوانندگان تأثیر گذاشت. به عبارت بهتر، در قیاس با متنی که فاقد پاراگراف بندی است و مطالب آن بدون ترتیب و یکپارچگی و ساختار مشخص در کنار هم قرار گرفته اند و یا چیدمان مطالب در درون متن تصادفی است، متن قطعه قطعه شده از طریق پاراگراف قابل فهم تر است.

نکته دیگر اینکه گرچه در ایران پژوهشی درباره ساختار پاراگراف در زبان فارسی و تأثیر آن بر درک مطلب وجود ندارد و حتی نوشته های علمی خارج از ایران نیز غالباً جنبه توصیفی دارند، برخی از پژوهش های خارجی از جمله کارهای وان دایک و کیچ (در مورد مقایسه متن آشفته و متن سازمان یافته) و شیدنبرگ (در مورد توالی نوشته های متن) با پژوهش حاضر همخوانی دارند. همچنین، پژوهش سابق محقق نیز این مهم را تأیید کرده بود.

به علاوه، با وجود بسیاری از محدودیتها، از جمله منابع نظری ناکافی و غالباً کم ارتباط با موضوع، و مشکلات در تدوین و نگارش متن و...، به نظر می رسد که اثر بخشی

انسجام متن از طریق پاراگراف‌بندی (با هر شکلی) بر درک مطلب ضروریست. همچنین، از این یافته‌ها می‌توان دریافت که اگر در نگارش زبان فارسی نیز مانند نوشته‌های انگلیسی اصول پاراگراف‌بندی رعایت شود و پاراگراف به عنوان یکی از واحدهای نوشتاری و یکی از جنبه‌های مهم نقطه‌گذاری در متن، مورد توجه قرار گیرد شاید نوشته‌های فارسی، بخصوص نوشته‌های درسی و آموزشی در دانشگاه، از قابلیت جذب و هضم بیشتری برای خوانندگان برخوردار شوند.

با توجه به آنچه گذشت، برخی از توصیه‌های کاربردی منتج از دستاوردهای این پژوهش عبارت است از:

1. قالب دادن به موضوعات یا ابعاد مختلف موضوعات از طریق ایجاد پاراگراف، که به نظم، آراستگی و هماهنگ‌سازی مطالب و برجسته کردن موضوع منجر می‌شود.
 2. معنای پاراگراف‌بندی در یک نوشته آن است که هر بند به یک موضوع واحد و یا بعدی از یک موضوع واحد پردازد و هیچ‌گاه بیش از یک موضوع در یک بند قرار نگیرد. به علاوه تمامی مطالب موجود در یک بند باید با یکدیگر هماهنگی و وحدت داشته باشند و یکدیگر را مورد حمایت قرار دهند. از نظر کایس (2010) نیز وحدت پاراگراف از دو مسئله ناشی می‌شود: الف) هر پاراگراف تنها شامل یک اندیشه اصلی باشد؛ ب) بقیه بخشهای یک بند با ایده اصلی آن هماهنگ بوده، آن را حمایت کنند.
 3. یک پاراگراف خوب به خواننده نشان می‌دهد که کجا آغاز و کجا پایان ابعاد و بخشهای مختلف یک نوشته است. از طرفی، موضوعات مشروح در پاراگرافهای مختلف یک متن (یا بخشی از نوشته) باید با موضوع اصلی آن بخش یا متن هماهنگ باشند.
- رعایت برخی اصول، از جمله موارد بالا، می‌تواند به کاهش ابهام و گیجی خوانندگان در برخورد با یک متن یا کتاب درسی کمک کند و فرایند درک مطلب را آسان سازد.

منابع

- انیس، لیندا. فریل. (1387). فن مطالعه (ترجمه علی صلح جو). تهران: مرکز نشر دانشگاهی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- دلاور، علی (1388). مبانی نظری و عملی پژوهش (ویرایش جدید). تهران: رشد.
- سمیعی، احمد (1383). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.
- سیف، علی اکبر (1386). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویراست ششم). تهران: آگاه.

صلح جو، علی (1386). نکته‌های ویرایش (چاپ دوم). تهران: نشر مرکز.
فردوسی پور، عاطفه (1389). اثر بخشی عناصر ساختاری (پاراگراف، طرح‌واره معنایی و تیتربندی) متن تفسیری بر درک مطلب، نگرش، مقدار زمان مطالعه و زمان پاسخگویی. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
کریستینسن، ل. ب (1387). روش شناسی آزمایشی. ترجمه علی دلاور. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ندارد).

AMERICAN GUIDANCE SERVICE (AGS) PUBLISHING (2004). <http://www.agsnet.com>

Chambliss, M. J & Cal fee, R.O. (1998). *Textbooks for learning: nurturing children's MIND*.

Blackwell publishers ltd.

Chambliss, M. J; Richardson w; Tunney purda, j; wilkenfeld, B(2007). *Improving textbooks as away to foster civic understanding and engagement*. University of Maryland college park

Holliday, M. A. K & Hassan, R.(1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

Kaufman, Stefan, (2000). *Cohesion & Collocation: using context vectors in text segmentation*.

Cull Stanford University. Linguistics dept.

Kies, Daniel. (2010). *Coherence in writing*. Department of English College Dotage.

Lansford, A. & Connors, R. (2003). *The st. Martin's Handbook Annotated instructor's* (5 th ed). Network : St Martin's.

Lepionka, M. E. (2003). *Writing and developing your college textbook*. Atlantic path pub.

Nash, w; Stacy, D.(1997). *Creating texts: an introduction to the study of composition*. London: Longman.

Nystrand, M. (1982). *What writers know: the language, process, and structure of written discourse?* Academic press (AP).

Nystrand, M. (1986). *The structure of written communication: Studies in Reciprocity Between writers and readers*. Academic press (AP).

Sheidenberg, P. I. (1989). *Relating text- processing research to reading and writing instruction for learning disabled students*. Learning disabilities focus, 5(1), 4-12

Writing tutorial services (2004). *Paragraphs and topic sentences*. Indiana university Bloomington.